

بررسی نابرابری جنسیتی بین دختر و پسر در خانواده و تبیین عوامل مؤثر بر آن

زهرا قاسمی^۱

چکیده

خانواده از ارکان مهم اجتماعی است و میزان نابرابری جنسیتی میان دختر و پسر در خانواده بر سایر ابعاد جامعه تأثیر می‌گذارد. در حالی که قواعد و قوانین قضایی در حوزه خانواده حقوق ویژه‌ای برای مرد قائل‌اند و هنجارهای تبلیغی ازدواج و روابط زناشویی نیز میل به اقتدارگرایی مردانه را دارد. نوع روابط والدین با فرزندان تغییر کرده و با گرایش به تک‌فرزندی الویت میان دختر و پسر در خانواده تحول یافته است. این مقاله با دو هدف ۱. شناخت میزان نابرابری جنسیتی بین دختر و پسر در خانواده و ۲. شناخت عوامل مؤثر بر نابرابری جنسیتی در خانواده میان دختر و پسر تدوین شده است. تحقیق روش تبیینی کمی دارد که با ۵۰۰ تن از والدین ساکن در تهران که دارای حداقل یک فرزند پسر و یک دختر هستند پرسشگری شده است. نتایج پژوهش نشان داد: نابرابری جنسیتی میان دختر و پسر در خانواده در تهران کاهش یافته است. رابطه معنادار میان میانگین درآمد خانواده و پدرسالاری و پذیرش تبعیض اجتماعی، پذیرش تبعیض قانونی، رشد شخصیتی و عاطفی والدین، جامعه‌پذیری تبعیض در کودکی والدین و تحصیلات والدین با سطح نابرابری جنسیتی میان دختر و پسر در خانواده وجود دارد. همچنین بین رشد شخصیتی و عاطفی والدین و درآمد خانواده با نابرابری جنسیتی رابطه معکوس وجود دارد.

کلیدواژگان

پدرسالاری، تبعیض قانونی، تبعیض اجتماعی، نابرابری جنسیتی^۲.

۱. استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده ارتباطات و علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز
zahraghasemisst@gmail.com
2. gender inequality

بیان مسئله

مطالعات بسیاری به روی نابرابری جنسیتی از اواخر قرن نوزده تا کنون انجام شده است. با مروری بر وضعیت زنان در جهان و مقایسه آن با شرایط مردان، روشن می‌شود که زنان از دیدگاه برخورداری از امکانات و رفاه و آرامش روانی از آسیب‌پذیرترین بخش‌های جامعه هستند. «نابرابری جنسیتی به تفاوت‌های نظام‌مند بین مردان و زنان در بسیاری از حوزه‌ها اشاره دارد که از مشارکت و فرصت‌های اقتصادی، توانمندی‌های سیاسی و حصول آموزش تا سلامتی و آسایش متغیر است [۳۳، ص ۱۲۷]. از دیدگاه میلر، خانواده با آموزش و ارزش‌گذاری نقش‌ها و پایگاه‌ها برای هر جنس، نقشی مهم در انتقال و درونی‌کردن ایدئولوژی مردسالاری دارد [۲۶، ص ۴۰].

در ایران، درگیر شرایط گذار اجتماعی از فرهنگ سنتی هستیم و مسیر تحول متأسفانه بدون سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی جریان دارد. روابط میان زن و مرد دگرگون شده و تقسیم کار اقتصادی بروز کرده است، اما هنوز تقسیم کار اجتماعی و تحول قواعد رفتاری و هنجارها کمتر رخ داده است [۵، ص ۴۵]. به طوری که زن‌ها همچنان بیشتر از مردها خود را مسئول مراقبت از کودکان و سالمندان خانواده می‌دانند و کارهای خانه همچون تمیزکاری، شست‌وشو و پختن غذا را برعهده می‌گیرند [۳۵، ص ۲۰]. در پی تحولات اجتماعی، در دیدگاه زنان و مردان درباره نقش و وظیفه زن و مرد در خانواده و جامعه دگرگونی رخ داده است. در سال‌های اخیر، خانواده به سوی دوفرزندی و تک‌فرزندی گراییده است و انتظار می‌رود در رابطه میان والدین و دختران به دلیل روابط عاطفی میان پدر و فرزند میزان نابرابری دستخوش تغییراتی شده باشد.

نابرابری میان دختر و پسر بر سایر اجزای زندگی اجتماعی اثر دارد. با برخی ابعاد جامعه همسوست و با برخی تعارض دارد [۴، ص ۲۱۰]. نابرابری تحت‌تأثیر ایدئولوژی جوامع و گذشته‌های تاریخی و فرهنگی شکل می‌گیرند [۱۴، ص ۹۹].

اشکال مختلف نابرابری اغلب متقابل همدیگر را تقویت می‌کنند [۲۸، ص ۳۴] موانع قانونی مانند ارث‌بردن زنان از اموال، درخواست ازدواج، طلاق یا ازدواج اجباری و نیز قوانین عرفی مالکیت و کنترل بر منابع خانواده توسط مرد، به تبعیض در خانواده، قدرت مردان و همچنین محدودیت دسترسی زنان به منابع و از جمله درآمد، آموزش و پرورش و دارایی‌های دیگر منجر می‌شود [۳۳، ص ۴۱۱-۴۱۸]

توسعه، نابرابری‌ها را کاهش می‌دهد. در واقع، رشد اقتصادی سبب رشد فرصت‌های شغلی و رقابت می‌شود که این به کاهش تبعیض در آموزش و دسترسی به منابع مالی منجر می‌شود و تبعیض در برخورداری از امکانات رفاهی و بالطبع تبعیض علیه زنان را کاهش می‌دهد [۸، ص ۹].

شرایط گذار اجتماعی، تحول خانواده از مدل گسترده به سوی مدل تقریباً هسته‌ای، رشد اقتصادی و ایجاد زندگی تک‌فرزندی، گسترش تکنولوژی ارتباطات و توجه به دختر و پسر به‌طور یکسان در رسانه‌های خارجی و الویت یافتن روابط انسانی و برابره میان والدین و فرزندان روابط میان دختر و پسر در خانواده را متأثر می‌کند [۸، ص ۹].

از طرف دیگر، مشارکت روزانه زنان در اقتصاد نیز مداخله آنان در بهبود شرایط مالی و عاطفی زندگی روزمره و نیز نقش برجسته دختران در حفاظت از پدر و مادر در دوران کهن سالی سبب شده دختران اهمیت بیشتری در خانواده بیابند.

با توجه به این وضعیت، سؤال اصلی تحقیق میزان وجود نابرابری جنسیتی در خانواده میان فرزند دختر و پسر و عوامل مؤثر بر آن است.

این تحقیق سه هدف کلی دارد: ۱. شناخت میزان نابرابری جنسیتی میان دختر و پسر در خانواده؛ ۲. شناخت عوامل فرهنگی (ریشه‌های قومی، جامعه‌پذیری در کودکی، مهاجرت، یادگیری از محیط) مؤثر بر نابرابری جنسیتی میان دختر و پسر؛ ۳. شناخت عوامل اجتماعی مهم (وضع مالی خانواده، پایگاه زن در خانواده، میزان رشد اجتماعی شخصیتی، پدرسالاری، فشار تبعیض اجتماعی و تبعیض قوانین، شغل) مؤثر بر نابرابری جنسیتی میان دختر و پسر.

پیشینه پژوهش

قنبری و فتحی (۱۳۹۶) در بررسی عوامل مؤثر بر تولید نابرابری جنسیتی بین خانواده‌های شهر گرمسار نشان دادند نابرابری در حوزه جنسیتی تحت‌تأثیر عواملی چون جامعه‌پذیری جنسیتی، ایدئولوژی مردسالاری، سلطه‌جویی مردان و سلطه‌پذیری زنان، باورهای فرهنگی، عقاید قالبی جنسیتی است که در این بین، تأثیر سلطه‌جویی مردان نسبت به سایر عوامل بیشتر است [۱۵، ص ۶۹-۸۶].

حسینی در بررسی رابطه میان سرمایه فرهنگی والدین و گرایش آن‌ها به نابرابری جنسیتی (۱۳۹۵) نشان داد رابطه معناداری بین دو متغیر سرمایه فرهنگی والدین و گرایش آن‌ها به نابرابری جنسیتی وجود دارد. بین سرمایه فرهنگی والدین و گرایش آن‌ها به نابرابری جنسیتی نسبت به فرزندان نشان رابطه معکوس وجود دارد [۷، ص ۲۷-۵۶].

ناصری در بررسی عوامل مؤثر بر نگرش دانشجویان نسبت به نابرابری‌های جنسیتی مطالعه موردی شهرستان مهران (۱۳۹۴) نشان داد که بین متغیرهای جنس، تحصیلات، وضعیت تأهل، نگرش والدین، پایگاه اقتصادی و اجتماعی و منزلت شغلی فرد و نگرش‌های جنسیتی رابطه وجود دارد [۱۸، ص ۹۹-۱۱۴].

کلانتری و فقیه ایمانی (۱۳۹۲) با عنوان فراتحلیل پژوهش‌های انجام‌شده درباره نابرابری جنسیتی به این نتایج رسیدند که در سطح عوامل مؤثر بر نابرابری، از میان عوامل اجتماعی

کلیشه‌های جنسیتی، نظام پدرسالاری و جامعه‌پذیری جنسیتی با ۱۷/۷ درصد، از میان عوامل اقتصادی اشتغال زنان با ۱۶/۶ درصد و از میان عوامل زمینه‌ای قومیت و تحصیلات با ۷ درصد بیشترین عوامل ذکر شده بوده‌اند [۱۹، ص ۱۲۵-۱۴۲].

ادهمی و روغنیان (۱۳۸۸) در بررسی تأثیر عقاید قالبی بر نابرابری جنسیتی در خانواده (مورد مطالعه؛ زنان شاغل در آموزش و پرورش شهر همدان) نشان دادند متغیرهای میزان تحصیلات و درآمد، رابطه معکوس و معناداری با متغیر وابسته نابرابری جنسیتی دارد. متغیرهای جامعه‌پذیری جنسیتی، ایدئولوژی جنسیتی، هنجار جنسیتی، ایفای نقش و کلیشه‌های جنسیتی، رابطه مثبت و معناداری با نابرابری جنسیتی در خانواده دارد [۲، ص ۱۲۷-۱۴۳].

ساروخانی (۱۳۸۷) در بازتولید نابرابری جنسیتی در خانواده مطالعه تطبیقی زنان شاغل و خانه‌دار شهر ایلام نشان داد که بین اشتغال مادران و تولید نابرابری جنسیتی رابطه معناداری وجود دارد. بیشترین میزان نابرابری جنسیتی از سوی مادران خانه‌دار تولید می‌شود و نابرابری جنسیتی در سه حوزه هنجاری، آموزشی تحصیلی و اقتصادی مشاهده می‌شود [۱۲، ص ۴۷-۶۱].

رایت^۱ (۲۰۰۷) نیز در پژوهش خود در این زمینه نشان داد که زنان استرالیایی، فارغ از تعداد فرزندان، زمان بسیار بیشتری را نسبت به مردان به کار خانه‌داری اختصاص می‌دهند و با افزوده شدن تعداد فرزندان بر میزان ساعات کار خانگی آن‌ها نیز افزوده می‌شود و بار اصلی مسئولیت کار خانه بر دوش زن گذاشته می‌شود [۳۸، ص ۵۱۳-۵۲۹].

تارکوسکا^۲ (۲۰۰۲) عنوان می‌کند که نابرابری‌های جنسیتی در زمینه‌هایی مانند تقسیم کار، زمان صرف‌شده برای استراحت و مسئولیت داشتن برای تأمین نیازهای اساسی خانواده مشاهده می‌شود و نیز در خانوارهای فقیر و با درآمد پایین اغلب زنان هستند که بودجه را کنترل می‌کنند و حتی زمانی که منابع مالی خانواده محدود باشد، به مسائل روانی و سایر عوارض سلامتی دچار می‌شوند [۳۲، ص ۴۱۱-۴۳۲].

چارچوب نظری

در این تحقیق، از نظریات جامعه‌شناسی در سطح میانه، بوردیو، وبر، دورکیم، مارکس و در سطح خرد از کنش متقابل نمادی در حوزه عام جامعه‌شناسی بهره گرفته شد. مفهوم عادت‌واره، در دیدگاه بوردیو، نوعی آمادگی عملی، آموختگی ضمنی و فراست است. عادت‌واره نوعی تربیت‌یافتگی اجتماعی از نوع ذوق و سلیقه است که به عاملان اجتماعی این

1. Wright
2. Tarkowska

امکان را می‌دهد که روح قواعد، آداب، جهت‌ها، ارزش‌ها، روش‌ها و دیگر امور حوزه (میدان) خاص خود (میدان علمی، اقتصادی، ورزشی، هنری، سیاسی و...) را دریابند، درون آن پذیرفته شوند، جا بیفتند و منشأ اثر شوند [۶، ص ۱۶]. والدین با عادت‌واره‌ای که از الگوهای تبعیض قانونی و اجتماعی و پذیرش ناخودآگاه این تبعیض‌های قانونی و هنجاری موجود در زندگی زناشویی کسب کرده‌اند منشأ بروز نابرابری جنسیتی در خانه در رابطه با دختر و پسر خود می‌شوند. والدین که خود در بستر جامعه نابرابر زندگی می‌کنند با پذیرش خودبه‌خودی و نیز بدیهی تصورکردن نابرابری جنسیتی قانونی و اجتماعی خود منشأ اعمال نابرابری می‌شوند؛ به طوری که می‌توان گفت احتمالاً میان میزان پذیرش تبعیض قانونی و اجتماعی والدین و میزان نابرابری جنسیتی بین دختر و پسر در زندگی خانوادگی رابطه وجود دارد.

از دید وبر نیز، در مدیریت و نحوه اداره سازمان‌ها و نیز خانواده یکی از اشکال اصلی مدیریت شیوه پدرسالاری است [۲۴، ص ۴۰]. در حالی که این پدرسالاری با شرایط امروزی جامعه و نظام خانوادگی و رشد آگاهی زنانه و گسترش ارتباطات ماهواره‌ای و تلویزیونی هماهنگی ندارد و پدیده‌های اجتماعی مانند نقش زن، تصمیم‌گیری در خانواده، نقش مرد، حقوق زن، آزادی عمل، برابری در تقسیم کار و غیره را نادیده می‌گیرد. پس میان میزان پدرسالاری در خانواده با میزان نابرابری جنسیتی بین دختر و پسر رابطه وجود دارد.

از دیدگاه کنش متقابل نمادی، جامعه‌پذیری جنسیتی فرایندی است که در آن پسرها عمل کردن به اعمالی را که برای پسران تعریف شده می‌آموزند و دخترها نیز عمل به اعمالی را که از دختران انتظار می‌رود یاد می‌گیرند. بخش اعظم این فرایند در روابط متقابل با والدین، معلمان، گروه همسالان و رسانه‌های جمعی حاصل می‌شود [۲۱، ص ۴۸]. والدین با رفتارهایشان و دادن صفات به آن‌ها فرزندانشان را براساس نوع جنسیت ارزیابی می‌کنند [۲، ص ۱۲]. زنان و مردان در جامعه به گونه‌ای شکل می‌گیرند که این شیوه را باور می‌کنند و خود را با آن تطبیق می‌دهند [۲۵]. در ایران نیز، فرهنگ قومی به بازتولید اندیشه‌های فرهنگی دیرپای بازتولیدشده در جامعه قومی می‌پردازد، به طوری که می‌توان گفت: احتمالاً میان ریشه‌های قومیتی و میزان نابرابری جنسیتی میان فرزند دختر و پسر در خانه رابطه وجود دارد.

از دیدگاه مارکس، نوع نیروهای مولد در هر جامعه رابطه انسان با طبیعت را و به تبع آن رابطه انسان با انسان را تعیین می‌کند [۹، ص ۳۰]. به طوری که وقتی انسان در جایگاه بالای اقتصادی و در نقش کارفرما و دارای امکانات تولید و صاحب قدرت است، با حداقل تلاش سرمایه و سود بیشتری را کسب می‌کند. و چنانچه در موقعیت فروستی و کارگر و فاقد قدرت باشد، باید ساعات کار طولانی و حداقل درآمد را بپذیرد. پس میان وضع مالی خانواده با میزان نابرابری جنسیتی بین دختر و پسر در زندگی خانوادگی رابطه وجود دارد.

از دیدگاه جامعه‌شناسی مارکس، میزان رشد نیروهای مولد و نیز نوع نیروهای مولد در هر جامعه رابطه انسان با طبیعت را و به تبع آن رابطه انسان با انسان را تعیین می‌کند [۱،

ص ۱۳۰]. پس با تغییر موقعیت اقتصادی پدران و ورود زنان به بازار کار، آگاهی او به عنوان نیروهای تولید از شرایط خود بیشتر می‌شود و این در ذهن انسان زمینه تبدیل آگاهی در خود به آگاهی برای خود فراهم می‌شود و اختلاف میان طبقه تحت ستم با طبقه مسلط بیشتر می‌شود [۱۹، ص ۶۸]. در خانواده با شاغل شدن زن و افزایش تحصیلات زن، مرد با واقعیاتی خلاف سنت‌ها و عرف روبه‌رو می‌شود و این پدیده در خانه سبب تغییر رفتار اعضای خانواده با زن و دختر و کمتر شدن نابرابری جنسیتی می‌شود. پس میان تحصیلات و شغل والدین و میزان نابرابری جنسیتی گذاری او میان فرزند دختر و پسر در خانه رابطه وجود دارد.

طبق نظریه تقسیم کار دورکیم، طی فرایند جامعه‌پذیری افراد هنجارها و الگوهای رفتاری را کسب و بازتولید می‌کنند و براساس تقسیم کار رخ داده در جامعه هر فرد نقش و کارکرد خود را ایفا می‌کند و هنجارها و قواعد مبتنی بر تقسیم کار از طریق خانواده، اجتماع و... به تولید و پذیرش نقش‌های جنسیتی، باورهای قالبی جنسیتی و عمل طبق این باورهای جنسیتی منجر می‌شود. این فرایند سبب تفکیک نقش‌های معین برای دو جنس در خانواده می‌شود. البته، چاقتر و بوردیو در ارائه نظریات خود در خصوص نابرابری جنسیتی به هر دو عامل ساختاری (ساختارهای ذهنی‌شناختی و ساختارهای عینی) توجه کرده‌اند [۱۰، ص ۳۲۰] که میزان نابرابری جنسیتی در خانه براساس این نظریه‌ها در تحقیق صورت‌بندی شده است (متغیر وابسته در کلیه فرضیه‌ها).

بوردیو مدعی است نوعی علیت چرخشی در نظام نابرابری جنسیتی جوامع مردان وجود دارد؛ به گونه‌ای که ساختارهای عینی اجتماعی باورهای فردی را شکل می‌دهد و افراد بر پایه این باورها به نحوی عمل می‌کنند که نظم اجتماعی جنسیتی تقویت می‌شود [۱۳، ص ۲۹۹]. مؤلفه‌های متعدد عادت‌واره هم می‌توانند حالت ذهنی داشته باشند و هم ملموس باشند. نکته بسیار مهم این است که کلیه این مؤلفه‌ها از طریق جامعه‌پذیری اولیه توسط هر فرد درونی می‌شود [۶، ص ۵۸]. در ایران، چنانچه والدین در دوران کودکی خود با تبعیض جنسیتی بزرگ شده باشند، در دوره والدینی خود آن را بازتولید می‌کنند و در روابط آنان با دختر و پسرشان بروز می‌کند. به طوری که می‌توان گفت احتمالاً میان میزان جامعه‌پذیری تبعیض از سوی والدین در کودکی و میزان نابرابری جنسیتی بین دختر و پسر در زندگی خانوادگی رابطه وجود دارد.

در دیدگاه‌های جامعه‌شناسی خرد، دیدگاه‌های نمادگرا در تحلیل کنش اجتماعی افراد بیشتر روی عوامل ذهنی- نمادین از جمله پیامدها، ارزش‌ها، گرایش‌ها و ویژگی‌های شخصیتی آنان تأکید می‌کنند. وبر برای کنش‌ها معانی ذهنی قائل است و بنابراین برای تحلیل رخدادها و پدیده‌ها، یافتن معانی ذهنی کنش‌گر مهم‌ترین راه شناخت است [۱۷، ص ۲۰۰]. کنش‌گران براساس معانی ذهنی و تفسیری که از پدیده‌ها دارند و تحولاتی که در مسیر جامعه‌پذیری طی می‌کنند وارد کنش متقابل می‌شوند. مادر در دوران رشد و تحول شخصیتش از کودکی تا بلوغ متأثر از ارزش‌ها، گرایش‌های پیرامون خود جامعه‌پذیر می‌شود و می‌توان گفت احتمالاً میان

میزان رشد شخصیتی و عاطفی والدین با میزان نابرابری جنسیتی بین دختر و پسر در زندگی خانوادگی رابطه وجود دارد.

جدول ۱. نحوه استفاده از دیدگاه‌ها و نظریات مرتبط با متغیرهای تحقیق

دیدگاه	نظریه	متغیر مربوطه
وبر	مدیریت	پدرسالاری در خانواده
بورديو	عادت‌واره	پذیرش والدین از الگوهای تبعیض ساختاری قانونی و اجتماعی
بورديو	عادت‌واره	جامعه‌پذیری تبعیض در والدین در کودکی
مارکس	جایگاه اقتصادی فرد	وضع مالی والدین
مارکس	جایگاه اقتصادی فرد	اثر نوع شغل
کنش متقابل نمادی	جامعه‌پذیری جنسیتی	اثر فرهنگ قومیتی در اعمال نابرابری جنسیتی
دیدگاه‌های نمادگرا	معانی و تفسیر ذهنی کنش‌گر	رشد شخصیتی و عاطفی والدین
دورکیم، چافتز	تقسیم کار اجتماعی	ابعاد تبعیض بین دختر و پسر - متغیر وابسته

مدل پژوهش

در سطح میانه و خرد، عوامل ساختاری و شخصیتی بر یکدیگر رابطه متقابل دارند و باهم روی تغییرات نابرابری جنسیتی بین دختر و پسر اثر می‌گذارند.



فرضیه‌ها

۱. احتمالاً میان عوامل اجتماعی (وضع مالی خانواده، میزان رشد شخصیتی عاطفی والدین، پدرسالاری، پذیرش تبعیض اجتماعی و تبعیض قانونی) و میزان نابرابری جنسیتی بین فرزند دختر و پسر در خانه رابطه وجود دارد.
۲. احتمالاً میان عوامل فرهنگی (ریشه‌های قومی، جامعه‌پذیری در کودکی) و میزان نابرابری جنسیتی میان فرزند دختر و پسر در خانه رابطه وجود دارد.
۳. احتمالاً میان ویژگی‌های فردی والدین (شغل، سن، محل سکونت، تحصیلات) و میزان نابرابری جنسیتی میان فرزند دختر و پسر در خانه رابطه وجود دارد.

روش تحقیق

در این تحقیق، از روش کمی استفاده می‌شود. ابتدا مسئله نابرابری جنسیتی بین دختر و پسر در خانواده مطرح و اهداف اولیه طراحی شد. به کمک مطالعات نظری فرضیات طرح و با کمک روش پیمایش و با استفاده از پرسش‌نامه از جامعه آماری اطلاعات گردآوری شد. جامعه آماری والدین خانواده‌هایی که دارای حداقل یک پسر و یک دختر (ازدواج‌نکرده) هستند. به تعداد ۵۰۰ نفر والدین دارای فرزند هم دختر و هم پسر پرسش‌گری انجام شد. روش نمونه‌گیری احتمالی طبقه‌بندی شده [۱۱، ص ۱۱۰] میان مناطق ۲۲ گانه تهران، از ۲۲ منطقه به صورت رندوم ۱۱ منطقه شامل مناطق ۱، ۳، ۴، ۶، ۹، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۵، ۱۹، ۲۰ انتخاب و سپس از هر منطقه به صورت رندوم تعدادی ناحیه انتخاب شد و در نواحی به صورت رندوم با کمک جدول اعداد تصادفی به سراغ تعدادی محله و خیابان رفته و در آنجا پرسش‌گران خانم با مادران و به‌طور جداگانه و پرسش‌گران آقا با پدران پرسش‌گری انجام دادند. تحلیل داده‌ها با نرم‌افزار SPSS پردازش شدند.

جدول ۲. متغیرها مؤلفه‌ها و معرف‌ها به همراه افای کرونباخ ضریب پایایی برای هر شاخص

متغیر	مؤلفه‌ها	گویه‌ها	تعداد	آلفای کرونباخ	آلفای کرونباخ کل
متغیر وابسته	میزان آزادی عمل	رفتن به پارک و کوچه و بیرون، رستوران رفتن بیرون غذا خوردن، سفر کوتاه با دوستان	۴	۰,۷۲۳	۰,۷۳۰
		شروع به غذا خوردن، انتخاب کانال‌های تلویزیون، الویت استفاده از تردمیل یا کامپیوتر	۴	۰,۷۴۰	
		اتاق بزرگ‌تر و نورگیرتر در خانه، استفاده از اتومبیل، مهمانی دادن در خانه	۳	۰,۷۱۲	
		پول توجیبی، کلاس‌های آموزشی و زبان، سرمایه‌اولیه کسب و کار دادن، خرید کادو و وسایل درسی گران	۴	۰,۷۴۰	
متغیرهای مستقل	اموال قدرت پدر در مدیریت خانه	محترم‌ترین فرد خانه، حساب بردن از پدر در خانه، ترس بچه‌ها از قدرت و جبروت پدر، الویت استفاده از تلویزیون و امکانات، تنظیم و برنامه‌ریزی وظایف مادر، کنترل و تنظیم روابط با غریبه‌ها و...	۶	۰,۸۱۶	۰,۸۰۲
		انتخاب نام فرزند، حق جابجا کردن مسکن و خرید خانه، انتخاب دوستان بچه‌ها، انتخاب مهمان و کنترل ارتباطات فامیلی	۵	۰,۸۲۰	
		کمک در درس و حل تمرین بچه‌ها، نظافت خانه، غذاپختن، کارهای یومیه بچه‌ها، کارهای بهداشتی بچه‌ها	۴	۰,۸۱۲	
میزان رشد اجتماعی والدین	میزان رشد اجتماعی والدین	برخورداری از عشق بلاشرط مادری در کودکی، میزان وجود تکیه‌گاه محکم عاطفی در کودکی، شناخت احساسات خود و مسئولیت در برابر آن‌ها، میزان پذیرش فاعلیت خود در ساختن زندگی، میزان پذیرش اشتباهات خود و مسئولیت تغییر مسیر، میزان اثرپذیری از شرایط زندگی، میزان تحقق خواسته‌ها و تعادل در حال، میزان احساس نیاز به مطالعه و افزایش آگاهی در این مسیر	۸	۰,۸۲۱	

متغیر	مؤلفه‌ها	گویه‌ها	تعداد	آلفای کرونباخ	آلفای کرونباخ کل
متغیر وابسته	میزان آزادی عمل	رفتن به پارک و کوچه و بیرون، رستوران رفتن بیرون غذا خوردن، سفر کوتاه با دوستان	۴	۰,۷۲۳	۰,۷۳۰
		استفاده از امکانات منزل	۴	۰,۷۴۰	
		تسهیلات خانواده	۳	۰,۷۱۲	
	حمایت مالی	پول توجیبی، کلاس‌های آموزشی و زبان، سرمایه اولیه کسب و کار دادن، خرید کادو و وسایل درسی گران	۴	۰,۷۴۰	
		پذیرش تبعیض قانونی	۲	۰,۷۱۲	
		پذیرش تبعیض اجتماعی سطحی	۳	۰,۷۲۳	
	تبعیض اجتماعی عمقی	حق درس خواندن دختر، اجازه اشتغال به کار توسط دختر، اجازه انتخاب نوع شغل دختر، اجازه انتخاب دوست توسط دختر	۴	۰,۷۴۹	

یافته‌های تحقیق

جدول ۳. فراوانی میزان نابرابری جنسیتی بین دختر و پسر از دیدگاه والدین (هم مادر و هم پدر)

میزان نابرابری جنسیتی بین دختر و پسر در خانه	نابرابری کم	نابرابری متوسط	نابرابری زیاد
- میزان آزادی عمل	۲۷	۲۳,۲	۵۰
- استفاده از امکانات منزل	۳۳	۳۳	۳۴
- تسهیلات خانواده	۲۷	۴۱,۵	۳۱
- حمایت مالی	۴۴,۹	۴۰,۹	۱۳,۸
کل نابرابری	۴۳,۷	۳۰,۱	۲۶,۲

بیشترین فراوانی نابرابری متعلق به گزینه کم در ۰,۷ درصد والدین است. کمترین فراوانی را نابرابری جنسیتی زیاد ۲۶,۲ درصد دارد. این نشان می‌دهد نابرابری جنسیتی در خانواده به‌طور کلی کم است و بیشترین میزان نابرابری در مؤلفه آزادی عمل است.

جدول ۴. فراوانی درآمد خانواده‌های بررسی شده برحسب شرایط اشتغال پدران

سؤالات یا مؤلفه‌های هر متغیر	انواع گزینه‌ها	شاخص اصلی	گزینه	فراوانی درصد
میانگین مخارج ماهانه زندگی	۹۰۰/۰۰۰ ریال	نما	از پانصد هزار تومان تا بیش از دو میلیون تومان	۱۷۰
				۳۸

میانگین مخارج ماهانه برآورد دیگری از درآمد واقعی است، زیرا افراد به سهولت از میانگین مخارج ماهانه خود حرف می‌زنند، اما از مسیرهای مختلف کسب درآمد برای تأمین این مخارج حاضر نیستند حرف بزنند. از کل پاسخ‌گویان در ۵۱ درصد مخارج صرف شده ماهانه بین پانصد هزار تومان تا یک میلیون تومان است..

جدول ۵. فراوانی میزان کل پدرسالاری در خانواده برحسب نوع رفتار والدین در خانواده با دختر و پسر خود

میزان پدرسالاری در خانه	بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد
درصد	۲/۱	۱۳/۴	۵۴/۳	۲۶/۹	۳/۴

بیشترین فراوانی پدرسالاری در ۵۴ درصد خانواده‌ها متوسط است؛ یعنی رفتارهای اعمال قدرت بر اعضای خانواده (حساب‌بردن از پدر در خانه، ترس بچه‌ها از قدرت و جبروت پدر، الویت استفاده از تلویزیون و امکانات، تنظیم و برنامه‌ریزی وظایف مادر در خانه، کنترل و تنظیم روابط با غریبه‌ها و افراد جدید)، دخالت در تصمیم‌گیری (انتخاب نام فرزند، حق جابه‌جا کردن مسکن و خرید خانه، انتخاب دوستان بچه‌ها، انتخاب مهمان و کنترل ارتباطات فامیلی)، کار در خانه (کمک در درس و حل تمرین بچه‌ها، نظافت خانه، غذاپختن، کارهای یومیه بچه‌ها، کارهای بهداشتی بچه‌ها)، رفتار با اعضا (درک نیازهای زن، توجه به زن در حضور فرزندان) همه به مقدار متوسط انجام می‌گیرد.

جدول ۶. فراوانی میزان قبول تبعیض اجتماعی توسط والدین

میزان پذیرش تبعیض اجتماعی	پذیرش کم تبعیض (محدودیت و کمبود امکانات ورزشی برای دختران)	پذیرش متوسط (دخترم کمی به این امکانات نیاز دارد)	پذیرش زیاد (این امکانات برای دختر ضرورتی ندارد)
فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد
جمع کل مؤلفه‌ها	۸/۷	۳۰/۴	۱۳۷
محدودیت استخر شنا، امنیت تفریح دخترانه، محدودیت مشاغل	۱۵/۳	۳۰۰	۱۰۹
	۲۶/۳	۳۱۲	۵۶
	۱۶/۶	۳۱۲	۱۰۴

میزان پذیرش عینی و عملی تفاوت‌ها و تبعیض‌های اجتماعی در دو لایه عمقی و سطحی سنجیده شد. تابعیت از قواعد عرف جمعی در ساختار اجتماعی تبعیض محور به گونه‌ای است که حتی این محدودیت‌ها به‌عنوان واقعیت موجود و عمومی جامعه احساس و نرمال تلقی می‌شود. در این ساختار اجتماعی است که محدودیت سطحی در تسهیلات ورزشی، امنیت تفریحی و شغل برای زنان را ایجاد کرده است. انتخاب شغل به دلیل دخترانه و پسرانه تلقی کردن مشاغل توسط اجتماع محدودیت در این حوزه را به همراه دارد.

جدول ۷. فراوانی میزان پذیرش عمقی تبعیض اجتماعی توسط والدین

میزان پذیرش تبعیض اجتماعی عمقی در والدین	پذیرش تبعیض کم (دخترم خودش باید نظر بدهد)	تبعیض متوسط والدین (نظر بدهند)	پذیرش تبعیض زیاد (برای دختر ضرورتی ندارد)	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	جمع کل مؤلفه‌ها
۶۱٫۷	۲۹۷	۱۵۸	۳۲٫۸	۲۶	۵٫۱	۲۹۷	جمع کل مؤلفه‌ها
۶۲٫۷	۳۰۲	۱۶۱	۳۳٫۴	۱۹	۳٫۹	۳۰۲	حق درس خواندن دختر
۴۲٫۶	۲۸۶	۲۹۳	۴۰٫۳	۹۱	۱۲٫۵	۲۸۶	اجازه اشتغال به کار توسط دختر
۲۲٫۸	۱۱۴	۳۰۳	۶۰٫۷	۸۱	۱۶٫۲	۱۱۴	اجازه انتخاب نوع شغل دختر
۲۲٫۶	۱۱۲	۲۹۳	۵۹٫۱	۹۱	۱۸٫۳	۱۱۲	اجازه انتخاب دوست توسط دختر

بیشترین فراوانی در حق درس خواندن دختر، ۶۲ درصد احساس زیاد تبعیض درسی است. در اجازه اشتغال به کار دادن به دختر در جامعه در ۴۳ درصد اجازه اشتغال به کار دختر برای دختران را محدود دیده‌اند. در اجازه انتخاب نوع شغل ۶۰ درصد با نبودن آزادی والدین باید نظر دهند و این‌ها تبعیض اجتماعی را متوسط پذیرفته‌اند. در اجازه انتخاب دوست توسط دختر ۵۹٫۱ درصد دوست را خانواده باید برای دختر تعیین کند و در واقع تبعیض ساختاری و اجتماعی را متوسط درونی کرده و پذیرفته‌اند.

جدول ۸. فراوانی میزان پذیرش عملی تبعیض قانونی و قضایی از سوی والدین

پذیرش عملی تبعیض قانونی و قضایی	پذیرش کم و احساس تبعیض زیاد (دختر خودش انتخاب)	پذیرش متوسط (از دختر هم نظر بپرسند)	پذیرش زیاد (بهرتر است فقط والدین نظر بدهند)	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	جمع کل مؤلفه‌های پذیرش
۲۲٫۷	۱۱۳	۲۹۷	۶۰٫۰	۸۶	۱۷٫۰	۱۱۳	جمع کل مؤلفه‌های پذیرش
۲۲٫۸	۱۱۴	۳۰۳	۶۰٫۷	۸۱	۱۶٫۲	۱۱۴	اجازه انتخاب همسر
۲۲٫۶	۱۱۲	۲۹۳	۵۹٫۱	۹۱	۱۸٫۳	۱۱۲	اجازه تعیین زمان ازدواج توسط دختر

میزان پذیرش عینی و عملی تفاوت‌ها و تبعیض‌های قانونی ناخودآگاه در جامعه و تابعیت از قواعد عرف جمعی در ساختار قانونی تبعیض‌محور به گونه‌ای است که حتی این محدودیت‌ها به‌عنوان واقعیت موجود و عمومی جامعه احساس و نرمال تلقی می‌شود. اجازه انتخاب همسر ۶۰ درصد خانواده‌ها به طور متوسط احساس می‌کنند که دخترشان خود باید انتخاب همسر آزادانه داشته باشد.

اجازه تعیین زمان ازدواج: ۵۹/۱ درصد معتقدند که به دلیل نبودن امکانات شناختی برای دختران در اجتماع و محدود بودن قدرت دید دختران بهتر است که پدران یا والدین زمان ازدواج را برای دختر تعیین کنند.

جدول ۹. فراوانی میزان یادگیری تبعیض والدین در کودکی

میزان یادگیری تبعیض در کودکی والدین	تبعیض کم (دختر خودش تصمیم‌گیری کند)		تبعیض متوسط (بیشتر والدین کمی نظر دختر)		تبعیض زیاد (فقط نظر والدین مطرح است)	
	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد
جمع کل مؤلفه‌ها	۳۷	۹,۳	۱۷۴	۴۳,۵	۱۸۹	۴۷,۳
محدودیت رفت‌وآمد با غریبه و نامحرم،	۱۲۶	۲۶,۳	۱۵۸	۳۳,۰	۱۹۵	۴۱,۶
محدودیت و عدم امکان درس خواندن،	۱۹۷	۴۱,۱	۱۳۲	۲۷,۶	۱۵۰	۳۱,۳
اجبار در نوع پوشش،	۱۴۲	۲۹,۶	۱۶۱	۲۲,۱	۱۷۶	۳۶,۷
اجبار در انتخاب همسر	۱۲۳	۲۵,۶	۲۰۰	۴۱,۶	۱۵۸	۳۲,۸

محدودیت رفت‌وآمد با غریبه و نامحرم در جامعه بیشترین فراوانی متعلق به یادگیری تبعیض زیاد است. در ارتباط با غریبه ۴۱,۶ درصد تبعیض زیاد می‌گذارند. در مؤلفه درس خواندن دختران بیشترین فراوانی متعلق به تبعیض کم است. در مؤلفه اجبار در نوع پوشش بیشترین فراوانی متعلق به تبعیض زیاد است. در مؤلفه انتخاب همسر بیشترین فراوانی متعلق به تبعیض متوسط است.

جدول ۱۰. فراوانی میزان رشد شخصیتی عاطفی والدین در خانواده

بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیار کم	میزان رشد اجتماعی عاطفی والدین
درصد	درصد	درصد	درصد	درصد	
۱۹٫۱	۲۷٫۶	۱۵٫۴	۲٫۶	۳۵٫۲	میزان کلی رشد
۳۸٫۷	۸٫۷	۱۱٫۷	۴٫۳	۳۶٫۷	۱. برخورداری از عشق بلاشرط مادری در کودکی
۲۱٫۶	۳۴٫۷	۲۲٫۶	۱۴٫۸	۶٫۲	۲. میزان وجود تکیه‌گاه محکم عاطفی در کودکی
۱۴٫۵	۱۳٫۶	۳۲٫۹	۱۹٫۲	۱۹٫۸	۳. شناخت احساسات خود و مسئولیت در برابر آن‌ها
۱۹٫۹	۲۴٫۳	۱۹٫۱	۲۱٫۴	۱۵٫۲	۴. میزان پذیرش فاعلیت خود در ساختن زندگی
۴۲٫۶	۱۳٫۸	۱۳٫۶	۱۹٫۰	۱۱٫۰	۵. میزان پذیرش اشتباهات خود و مسئولیت تغییر مسیر
۱۶٫۰	۲۹٫۹	۳۲٫۳	۱۵٫۴	۶٫۴	۶. میزان اثرپذیری از شرایط زندگی
۲٫۴	۲۰٫۱	۳۸٫۰	۲۷٫۸	۱۱٫۷	۷. میزان تحقق خواسته‌ها و تعادل در حال و اکنون
۲۳٫۰	۴۸٫۹	۱۳٫۶	۶٫۲	۸٫۲	۸. میزان احساس نیاز به مطالعه و افزایش آگاهی در این مسیر

میزان رشد شخصیت بسیار کم، بیشترین فراوانی را دارد. برخورداری از عشق بلاشرط مادری در کودکی بیشترین فراوانی متعلق به گزینه بسیار زیاد و سپس بسیار کم است. در گذشته، بیشتر والدین دارای شرایط بهشت و دوزخ بودند یا برخوردار کامل از محبت مادر یا اگر مادر بی تجربه یا نامادری داشتند، کاملاً بی‌پناه و دربه‌در و رها شده بودند. وجود تکیه‌گاه محکم عاطفی در کودکی بیشترین فراوانی متعلق به گزینه زیاد است. شناخت احساسات خود و مسئولیت در برابر آن‌ها بیشترین فراوانی گزینه متوسط است.

جدول‌های توصیفی مربوط به متغیر سن زن و مرد و سایر متغیرهای زمینه‌ای

جدول ۱۱. فراوانی سنی مادران و پدران و تحصیلات آن‌ها

بیشترین فراوانی	درصد	کمترین فراوانی	درصد	
سن مادران	چهل تا پنجاه سال	۴۵٫۵	شصت سال به بالا	۱٫۸
سن پدران	چهل تا پنجاه سال	۵۰٫۶	بیست تا سی سال	۳٫۴
تحصیلات مادران	فوق دیپلم	۴۵٫۷	فوق لیسانس	۱٫۸
تحصیلات پدران	فوق دیپلم	۴۸٫۲	سیکل	۳٫۲
شغل پدران	رده ۶ دارای مهارت ولی وابسته به دیگران، فروشنده	۴۴٫۷	مدیران رده‌بالا وزارت‌خانه‌ها و...	۰٫۴
شغل مادران	رده ۵ کارمند، فروشنده معلم، بازنشسته، منشی، تکنسین	۳۵٫۷	مدیران رده‌بالا وزارت‌خانه‌ها و...	۲٫۹

بیشترین فراوانی شغلی مادران متعلق به گزینه شغل زن در رده پنجم شغلی است. در ۳۵/۷ زن شغل: معلمی، کارمند عادی، منشی، مستخدمان دیپلم در بخش خصوصی و دولتی، کارکنان ماهر شیلات و کشاورزی، تکنسین‌های معمولی در بیمارستان‌ها و... را دارد و ۴۴/۷ درصد پدران هم در یک رده شغلی پایین: صاحب حرفه و مهارت ولی بدون مکان: آرایشگر، نقاش ساختمان، کبابی، نجار و جوشکار، بنا، فروشنده، راننده و... بیشترین فراوانی را دارند.

یافته‌های تحلیلی

جدول ۱۲. نتایج آزمون پیرسون در خصوص رابطه متغیرهای مستقل و وابسته

نتیجه آزمون	تعداد	سطح معناداری	همبستگی پیرسون	متغیرهای مستقل	متغیر وابسته
تأیید	۴۷۵	۰/۰۰۱	-۰/۱۴۲	درآمد خانواده	نابرابری جنسیتی بین دختر و پسر در خانواده
عدم تأیید	۴۷۵	۰/۰۷۷	۰/۱۱۵	قومیت	
تأیید	۴۷۵	۰/۰۰۵	۰/۱۴۶	پدرسالاری	
تأیید	۴۷۵	۰/۰۰۴	۰/۱۲۵	پذیرش تبعیض اجتماعی سطحی	
تأیید	۴۷۵	۰/۰۰۰	۰/۲۵۳	پذیرش تبعیض اجتماعی عمقی	
تأیید	۴۷۵	۰/۰۰۰	۰/۲۱۸	پذیرش تبعیض قانونی	
تأیید	۴۷۵	۰/۰۰۰	-۰/۱۸۴	رشد شخصیتی و عاطفی والدین	
تأیید	۴۷۵	۰/۰۰۶	۰/۱۳۸	جامعه‌پذیری تبعیض در کودکی والدین	
عدم تأیید	۴۷۵	۰/۶۵۸	-۰/۰۱۷	شغل والدین	
عدم تأیید	۴۷۵	۰/۱۸۱	۰/۰۱۱	سن والدین	
تأیید	۴۷۵	۰/۰۰۰	۰/۰۹	تحصیلات والدین	زمینه‌ای

رابطه معنادار میان درآمد خانواده و پدرسالاری و پذیرش تبعیض اجتماعی سطحی، پذیرش تبعیض اجتماعی عمقی، پذیرش تبعیض قانونی، رشد شخصیتی و عاطفی والدین، جامعه‌پذیری تبعیض در کودکی، تحصیلات والدین با سطح نابرابری جنسیتی در خانواده وجود دارد. این نتایج با نظریه مارکس در مورد موقعیت و جایگاه فرد در نظام تولید، وبر در مورد اثر پدرسالاری، وود و شرمن در مورد تطبیق فرد با نظام جامعه‌پذیری در کودکی، کیویستو در مورد جامعه‌پذیری جنسیتی، بوردیو در مورد شبکه با دوام روابط نهادی شده میان افراد، منطبق

است. میان شغل والدین و سن والدین و قومیت آن‌ها با میزان نابرابری جنسیتی رابطه وجود ندارد. این نتایج با نظریه مارکس، وود و شرمن هماهنگی ندارد. همچنین بین رشد شخصیتی و عاطفی والدین و درآمد خانواده با نابرابری جنسیتی رابطه معکوس وجود دارد. با زیاد شدن رشد عاطفی والدین میزان نابرابری جنسیتی اعمالی توسط آنان در میان دختر و پسر کمتر می‌شود. با بالا رفتن درآمد خانواده نیز میزان نابرابری جنسیتی اعمالی توسط آنان در میان دختر و پسر کمتر می‌شود. این نتایج با نظریات مارکس در زمینه جایگاه فرد در نظام تولید و نقش آگاهی طبقاتی در فرد و بورديو در زمینه شبکه بادوام از روابط نهادی شده بین افراد و روابط خانوادگی و اثر تربیت کودکی بر بازتولید رفتار در بزرگی انطباق دارد.

در میزان پذیرش تبعیض‌های اجتماعی عمقی‌تر، ناخودآگاه در جامعه افراد با تابعیت از قواعد عرف جمعی و ساختار اجتماعی تبعیض‌محور به گونه‌ای عمل می‌کنند که این محدودیت‌ها به‌عنوان واقعیت موجود و عمومی جامعه احساس و نرمال تلقی می‌شود. انتخاب شغل برای دختر به دلیل دخترانه و پسرانه تلقی کردن مشاغل از سوی اجتماع، ناچاری والدین از مداخله در این حوزه را به همراه دارد. نحوه دسترسی زنان به آموزش و حق تحصیل و اشتغال و انتخاب شغل و نیز انتخاب دوست برای رفت‌وآمد زیر نفوذ عرف و هنجارهای و ساختارهای درونی‌شده در والدین بسیار محدود است. محدود کردن حق تحصیل دختران یا محول کردن آن به اجازه پدر برای ادامه تحصیل به گونه‌ای است که والدین می‌پندارند این حق آن‌ها برای مدیریت کردن دختران خود است.

والدین در دوران کودکی خود در معرض تجربه عینی رفتار با دختران در خانواده قرار گرفته‌اند. مادر شاهد رفتار والدین خود با خویش و پدر شاهد رفتار والدین با خواهر خود و نیز با دختران فامیل بوده است. آنچه در کودکی یاد گرفته‌اند عملاً زمینه‌های ناخودآگاه رفتار را می‌سازد و در بزرگسالی بروز می‌کند. در اینجا به‌طور ناخودآگاه والدین براساس آموزه‌های درونی‌شده خود عمل می‌کنند و آنچه را که درونی کرده‌اند، چه سنتی و چه امروزی، انجام می‌دهند. برجسته‌ترین تبعیض‌های رفتاری در دوره کودکی والدین محدود کردن دختران در زمینه رفت‌وآمد با غریبه و نامحرم، درس خواندن، اجبار در نوع پوشش، اجبار در انتخاب همسر، و اجبار در سر کار مزدی رفتن و شاغل نبودن است.

رگرسیون چندمتغیره

در تحلیل رگرسیون تغییرات متغیر وابسته (نابرابری جنسیتی بین دختر و پسر) از طریق متغیرهای تبعیض اجتماعی، درآمد خانواده و پدرسالاری و پذیرش تبعیض اجتماعی سطحی، پذیرش تبعیض اجتماعی عمقی، پذیرش تبعیض قانونی، رشد شخصیتی و عاطفی والدین، جامعه‌پذیری تبعیض در کودکی، تحصیلات والدین، رشد شخصیتی و عاطفی والدین و

متغیرهای زمینه‌ای (جنسیت، تحصیلات، شغل، مدت ازدواج، فاصله سنی، سن پاسخ‌گو، تعداد فرزند) پیش‌بینی و سهم هریک از این متغیرها در تبیین متغیر وابسته تعیین شد. بدین منظور، همه متغیرهای مستقل و زمینه‌ای وارد معادله رگرسیون شدند و در گام آخر و با کنار گذاشتن متغیرهای تحصیلات، شغل، مدت ازدواج، فاصله سنی، سن پاسخ‌گو، تعداد فرزند با متغیر وابسته در نهایت نتیجه ذیل به دست آمد. با توجه به جدول ۱۳ مقدار ضریب تعیین R بین متغیرها ۰/۶۱۷ است که نشان می‌دهد بین مجموعه متغیرهای مستقل و متغیر وابسته (نابرابری جنسیتی بین دختر و پسر) همبستگی وجود دارد؛ اما مقدار ضریب تعیین تعدیل شده (R2) برابر با ۰/۳۷۴ است که نشان می‌دهد ۰/۳۸۰ درصد از کل نابرابری جنسیتی بین دختر و پسر در خانواده توسط این متغیرها قابل پیش‌بینی است.

جدول ۱۳. نتایج آزمون رگرسیون در گام آخر

R	RSquare	R	خطای معیار برآورد
(ضریب تعیین)	(ضریب تعیین خالص)	(مجدور تعدیل شده)	
۰/۶۱۷	۰/۳۸۰	۰/۳۷۴	۵/۱۸۳۵۳

جدول ۱۴. نتایج رگرسیون مقدار β -گام آخر

متغیرهای وارد شده	ضرایب استاندارد نشده	ضرایب استاندارد شده	مقدار آزمون t	سطح معناداری
	B	Beta		
مقدار ثابت	۱۴/۵۸۰		۳/۶۵۷	۰/۰۰۰
تبعیض اجتماعی	۰/۸۵۳	۰/۲۴۶	۴/۵۷۹	۰/۰۰۰
تبعیض قانونی	۱/۲۰۵	۰/۲۲۰	۵/۰۲۵	۰/۰۰۰
رشد شخصیتی و عاطفی والدین	-۰/۲۹۷	-۰/۲۴۳	-۳/۸۷۵	۰/۰۰۰
یادگیری در کودکی والدین	۰/۳۳۶	۰/۱۵۶	۳/۴۴۵	۰/۰۰۱
درآمد	-۰/۶۲۷	-۰/۱۱۱	-۲/۴۶۸	۰/۰۱۴

با توجه به نتایج جدول ۱۴، ضریب رگرسیون به دست آمده برای متغیر تبعیض اجتماعی در سطح معناداری $\text{sig}=0/000$ برابر با ۰/۲۴۶ است؛ بنابراین به ازای یک واحد انحراف استاندارد در متغیر تبعیض اجتماعی مقدار تبعیض میان فرزندان در خانواده به میزان ۰/۲۴۶ انحراف استاندارد افزایش پیدا می‌کند. همچنین متغیر تبعیض قانونی در سطح $\text{sig}=0/000$ برابر با ۰/۲۲۰ است؛ بنابراین به ازای یک واحد انحراف استاندارد در متغیر تبعیض قانونی میزان نابرابری جنسیتی میان فرزند دختر و پسر در خانواده به میزان ۰/۲۲۰ انحراف استاندارد افزایش پیدا می‌کند. همچنین، متغیر رشد شخصیتی والدین در سطح $\text{sig}=0/000$ برابر با -۰/۲۴۳ است؛ بنابراین به ازای یک واحد انحراف استاندارد در متغیر رشد شخصیتی والدین میزان

تبعیض میان دختر و پسر در خانواده به میزان $0/243-$ انحراف استاندارد کاهش پیدا می‌کند. همچنین متغیر یادگیری والدین در کودکی معناداری در سطح $sig=0/000$ برابر با $0/156$ است؛ بنابراین به‌ازای یک واحد انحراف استاندارد در متغیر یادگیری در کودکی والدین میزان تبعیض میان دختر و پسر در خانواده به میزان $0/156$ انحراف استاندارد افزایش پیدا می‌کند. همچنین متغیر درآمد در سطح $sig=0/014$ برابر با $0/111-$ است؛ بنابراین به‌ازای یک واحد انحراف استاندارد در متغیر درآمد میزان نابرابری جنسیتی در خانواده به میزان $0/111$ انحراف استاندارد کاهش پیدا می‌کند.

نتیجه‌گیری

در این تحقیق، طبق جدول ۱۱ غالب پدران پاسخ‌گو دارای مشاغل پایین شامل صاحب حرف و مهارت بدون مکان آرایشگر، نقاش ساختمان، کبابی، نجار و جوشکار، بنا، فروشنده، راننده و... بودند و مادران نیز اکثر در مشاغل رده پنجم اهمیت شغلی مانند: معلمان، کارمندان عادی، بازنشسته‌ها، منشی، مستخدمان دیپلم در بخش خصوصی و دولتی و... قرار دارند. درواقع، این مشاغل در تهران معرف سطح میانه اشتغال است. از سوی دیگر، میانگین درآمد این خانواده‌ها بین پانصد هزار تومان تا یک میلیون تومان است. بیشترین فراوانی در خانوارهایی است که زن هفت سال کوچک‌تر از مرد است و زن تابع مرد بوده و میانگین از عمر خانواده ۳۰ تا ۴۰ سال می‌گذرد. عموماً این افراد فارس و ترک‌اند (جدول ۳). و از پرجمعیت‌ترین لایه اجتماعی در ایران هستند و خوشبختانه با توجه به این شاخص‌های عمومی پاسخ‌گویان، قابلیت تعمیم این تحقیق بر قشر شهرنشین متوسط جامعه ایران که ۷۵ درصد جمعیت کل ایران را در سال ۱۳۹۰ می‌سازند به لحاظ نظری معتبر است.

مقدار پدرسالاری در این خانواده‌ها بالا بوده و به مقدار زیاد و بسیار زیاد اعمال قدرت پدر، تصمیم‌گیری مخصوص پدر، امکانات خانه در خدمت فقط پدر، برنامه‌ریزی همه اعضای خانه توسط پدر، کار در خانه خاص مادر دیده شده است (جدول ۵).

اکثر این خانواده‌ها پذیرش تبعیض اجتماعی بالا بوده و برای آنان جا افتاده که ورزش دختران باید محدود باشد و برای دختر امنیت کم است و شغل مناسب محدود است. اما در مورد حق درس خواندن دختر ۶۳ درصد همین خانواده‌های پدرسالار برای دختر خود آزادی عمل قائل بوده و به او حق نظردهی و اختیار انتخاب می‌دهند. جالب اینکه در همین خانواده‌های پدرسالار، که برای زن خود نهایت مردسالاری را اعمال می‌کنند، برای دختر خود بین ۳۳ تا ۶۲ درصد با نظر والدین اجازه اشتغال به کار و انتخاب نوع شغل را می‌دهند. جالب‌تر اینکه در این خانواده‌های پدرسالار ۲۲-۶۲ درصد کاملاً حق دختر می‌دانند که خود به تنهایی اجازه اشتغال به کار و انتخاب نوع شغل و حتی انتخاب دوست داشته باشد.

در زمینه پذیرش تبعیض قانونی به صورت کلی ۲۳ درصد پدران کاملاً این حق را متعلق به دختر می‌دانند و ۶۱ درصد والدین با نظر دختر حاضرند تصمیم بگیرند و به این ترتیب پدرسالاری برای فرزندان دختر کم‌رنگ‌تر از دوره والدین شده است و خود والدین به مداخله قاطع و بی‌اعتنایی به نظر دختران خود مایل نیستند (جدول ۸).

در این خانواده‌ها، که پیش‌تر به میزان مردسالاری و تمایل آنان به مداخله در حوزه اختیارات انسانی دختران اشاره شد، سطح تبعیض عملی بر فرزند دختر و پسر سنجیده شد. نتایج نشان می‌دهد که سطح تبعیض، ۴۴ درصد بسیار کم و کم است (جدول ۳) و نابرابری جنسیتی متوسط ۳۰ درصد است و فقط در ۲۶ درصد خانواده‌ها نابرابری جنسیتی زیاد وجود دارد. حتی اکثر والدین در زمینه تبعیض اجتماعی و قانونی گله‌مند بوده و مایل به وجود این زمینه‌های تبعیض نیستند و خود نیز میان دختر و پسر اعمال تبعیض نمی‌کنند.

در حالی که همین والدین ۶۵ درصد از روستا و شهرهای کوچک و شهرستان به تهران آمده‌اند و با خود فرهنگ سنتی و خانواده گسترده مبتنی بر مردسالاری و توجه خاص به پسرها را در مبانی ذهنی و مسیر جامعه‌پذیری خود در جامعه سنتی دارند و فقط ۳۵ درصد این والدین ساکن شهرهای بزرگ‌اند. در همین شرایط خانوادگی، رشد شخصیت اجتماعی و عاطفی نیز بررسی شد (جدول ۱۱). طبق این نتایج، اکثر والدین در کودکی از توجه و حضور مادر برخوردار بوده و تکیه گاهی برای لحظات غم و اندوه خود داشته‌اند. اما این والدین ۷۰ درصد دیگران را مسئول خطاهای خود می‌دانند و ۴۴ درصد آنان خود را به‌عنوان فاعل و کنش‌گر می‌بینند، ولی نیمی از آنان زیاد و بسیار زیاد مسئولیت اشتباهات خود را پذیرفته‌اند. اکثر آنان به خواسته‌های خود نرسیده‌اند و احساس نیاز شدید به مطالعه دارند (جدول ۱۰). در مجموع، میانگین سنی مادران ۴۵/۲ و پدران ۴۷ است. حدود ۸۶ درصد والدین فوق دیپلم و کمتر از آن سواد دارند. میانگین سواد زنان مشابه مردان است (جدول ۱۱).

بررسی آزمون‌ها نشان داد که داده‌های توصیفی رابطه منطقی باهم دارند. هرچه خانواده درآمد بالاتری داشته باشد، اعمال نابرابری جنسیتی کمتری در آن خانواده میان دختر و پسر وجود دارد. که این نتایج با دیدگاه مارکس در زمینه نیروهای مولد و اثر آن بر آگاهی فرد و عملکرد فرد انطباق دارد و نیز با یافته‌های تارکوسکا، ساووخانی، ادهمی و ناصری انطباق دارد.

بین پدرسالاری و نابرابری جنسیتی رابطه تنگاتنگی دیده شد که با نتایج قبیری و فتحی، کلانتری و ایمانی و رایت و نظریه وبر انطباق دارد

بررسی رابطه میان اعمال نابرابری جنسیتی بین دختر و پسر و پذیرش تبعیض اجتماعی هم بررسی شد (جدول ۸-۷). هرچه والدین بیشتر تبعیض اجتماعی را نادیده بگیرند و به دختر بیشتر حق درس خواندن و انتخاب شغل و دوست و نوع کار را بدهند، در خانه هم کمتر اعمال نابرابری جنسیتی می‌کنند. در واقع این خانواده‌ها بیشتر به حقوق دختران احترام می‌گذارند و

هم با محدودیت‌های جامعه مخالفانند. این نتایج با مفهوم عادت‌واره، که نوعی آموختگی ضمنی و تربیت‌یافتگی اجتماعی در دیدگاه بوردیو است، هماهنگ است و نیز با یافته‌های قنبری و فتحی، حسینی، ناصری، کلانتری و فقیه‌ایمانی انطباق دارد.

یادگیری والدین در کودکی و کسب تجربه مستقیم تبعیض سبب اعمال تبعیض در بزرگسالی می‌شود. به طوری که هرچه والدین در کودکی بیشتر مورد تبعیض توسط والدین خود قرار گرفته باشند، در شرایط فعلی هم بیشتر بین دختر خود و پسر نابرابری جنسیتی قائل می‌شوند. این نتایج با نظریه بوردیو در زمینه اثر شبکه بادوام روابط نهادی شده بین افراد منطبق است و نیز با یافته‌های قنبری و فتحی، حسینی، ناصری، ادهمی و روغنیان انطباق دارد.

در نابرابری جنسیتی میان دختر و پسر، شغل پدر و مادر، عمر خانواده، قومیت، سواد والدین، سن پدر و مادر و محل سکونت تأثیری نداشتند. در واقع نابرابری جنسیتی بین دختر و پسر در هر شغل و سواد و قومیت و سن و عمر خانواده‌ای اعمال می‌شود. این نتایج با یافته‌های ناصری و کلانتری و فقیه‌ایمانی، ادهمی و روغنیان انطباق ندارد.

متغیرهای درآمد والدین، رشد شخصیتی والدین، مهاجرت، با نابرابری جنسیتی رابطه معکوس دارد و هرچه این متغیرها بیشتر شوند، نابرابری جنسیتی کمتر می‌شود و از آنجا که فراوانی رشد شخصیتی و مهاجرت به تهران در جامعه آماری ما زیاد است، در سطح کلی جامعه آماری میزان نابرابری جنسیتی بین دختر و پسر کم است. از سویی، متغیرهای زیر که بر افزایش نابرابری جنسیتی در میان دختر و پسر مؤثرند در جامعه آماری ما فراوانی کمتری دارند. این نتایج با یافته‌های قنبری و فتحی، ادهمی و روغنیان انطباق دارد.

متغیرهای پدرسالاری، قبول تبعیض اجتماعی در والدین، قبول تبعیض قانونی در والدین و یادگیری والدین در کودکی هرچه بیشتر باشند میزان نابرابری جنسیتی هم بیشتر می‌شود. تفاوت سن زن و مرد، پدرسالاری، قبول تبعیض اجتماعی در والدین، قبول تبعیض قانونی در والدین، یادگیری والدین در کودکی هرچه بیشتر باشند میزان نابرابری جنسیتی هم بیشتر می‌شود. به این ترتیب، در قشر متوسط رو به پایین جامعه به لحاظ تحصیلی و شغلی و درآمدی با فرهنگ غالب ترک و فارس حجم نابرابری جنسیتی اعمال شده در جامعه مورد بررسی ما کم است و از کل جامعه در ۲۶ درصد حجم نمونه معادل یک چهارم خانواده‌ها نابرابری جنسیتی زیاد و بسیار زیاد وجود دارد. اما در همین یک چهارم خانواده‌ها هم میزان نابرابری جنسیتی به پدیده‌هایی مانند شغل پدر و مادر، عمر خانواده، قومیت، سواد والدین، سن پدر و مادر ربطی ندارد و عوامل مؤثر بر نابرابری جنسیتی، که سبب افزایش نابرابری جنسیتی طبق آزمون می‌شوند، در جامعه آماری ما فراوانی کمی را نشان دادند و با وجود اینکه این متغیرها سبب افزایش نابرابری جنسیتی می‌شوند، خود این متغیرها فراوانی کمی در جامعه دارند و این نکته کلیدی مهم این تحقیق است. همان‌طور که در جدول‌های توصیفی ملاحظه شد، متغیرهای

پدرسالاری، قبول تبعیض اجتماعی در والدین، قبول تبعیض قانونی در والدین، که بر افزایش نابرابری جنسیتی در میان دختر و پسر مؤثرند، در جامعه آماری ما فراوانی کمتری دارند. به دقت در جدول‌ها دیدیم که در ۶۹ درصد میزان پدرسالاری و قبول تبعیض اجتماعی متوسط و کمتر از آن است.

بنابراین، با توجه به جدول‌های توصیفی تحقیق، متوسط خانواده‌ها به لحاظ هنجاری و اقتصادی و فرهنگی در سطح عدم قبول تبعیض قانونی توسط والدین، کم بودن سطح یادگیری تبعیض توسط والدین در کودکی بودند. در چنین شرایطی، والدین به‌رغم شغل و سواد و سن و قومیت خود هرچه وضع اقتصادی بهتری داشته باشند، کمتر نابرابری جنسیتی می‌گذارند. به این ترتیب توسعه جنسیتی در خانواده وجود دارد و رو به گسترش است.

منابع

- [۱] آرون، ریمون (۱۳۷۰). *مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی*، ترجمه باقر پرهام. تهران: آموزش انقلاب اسلامی.
- [۲] احمدی، حبیب؛ گروسی، سعیده (۱۳۸۳). «بررسی تأثیر برخی عوامل اجتماعی و فرهنگی بر تبعیض»، *مطالعات زنان*، س ۲، ش ۶، ص ۵-۳۰.
- [۳] ادهمی، عبدالرضا؛ روغنیان، زهره (۱۳۸۸). «بررسی تأثیر عقاید قالبی بر نابرابری جنسیتی در خانواده (مورد مطالعه؛ زنان شاغل در آموزش و پرورش شهر همدان)»، *پژوهش‌نامه علوم اجتماعی*، س ۳، ش ۴، ص ۱۲۷-۱۴۳.
- [۴] اعزازی، شهلا (۱۳۸۰). *خشونت خانگی زنان کتک‌خورده*، تهران: سالی.
- [۵] _____ (۱۳۸۰). *جامعه‌شناسی خانواده با تأکید بر ساختارها و کارکرد خانواده در دوران معاصر*، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- [۶] بوردیو، پی‌یر (۱۳۸۰). *نظریه کنش*، ترجمه مرتضی مردی‌ها، تهران: نقش و نگار.
- [۷] حسینی، سیدحسن؛ احمدی، سینا (۱۳۹۵). «بررسی رابطه سرمایه فرهنگی و گرایش والدین به تبعیض مطالعه موردی والدین شهرستان جوانرود»، *بررسی مسائل اجتماعی ایران*، دوره ۷، ش اول، بهار و تابستان، ص ۲۷-۵۶.
- [۸] خانی، فضیله (۱۳۸۹). «چارچوب تحلیلی در مطالعات نابرابری جنسیتی در جهان»، *زن در توسعه و سیاست*، دوره ۸، ش ۳، پاییز، ص ۷-۳۰.
- [۹] دورکیم، امیل (۱۳۶۹). *تقسیم کار اجتماعی*، ترجمه باقر پرهام. بابل: کتابسرای بابل.
- [۱۰] ریتزر، جورج (۱۳۷۳). *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی.
- [۱۱] ریتزر، جورج؛ گودمن، داگلاس (۱۳۷۳). *نظریه‌های جامعه‌شناسی مدرن*، ترجمه محسن ثلاثی. تهران: علمی.
- [۱۲] سزایی، حسن (۱۳۷۲). *مقدمه‌ای بر نمونه‌گیری در تحقیق*، تهران: سمت.
- [۱۳] ساروخانی، باقر؛ محمودی، یسری (۱۳۸۷). *بازتولید نابرابری جنسیتی در خانواده مطالعه تطبیقی*

- زنان شاغل و خانه‌دار شهر ایلام»، پژوهش اجتماعی، دوره اول، ش اول، ص ۴۷-۶۱.
- [۱۴] شارع‌پور، محمود (۱۳۸۳). *ابعاد کارکردهای سرمایه اجتماعی و پیامدهای حاصل از فرمایش آن*، انجمن جامعه‌شناسی ایران، مجموعه مقالات مسائل اجتماعی ایران، تهران: آگاه.
- [۱۵] شادی‌طلب، ژاله (۱۳۸۱). *توسعه و چالش‌های زنان*، تهران: قطره.
- [۱۶] قنبری، فائزه؛ فتحی، سروش (۱۳۹۶). «بررسی عوامل مؤثر بر تولید نابرابری جنسیتی بین خانواده‌های شهر گرمسار»، *پژوهش‌های انتظامی-اجتماعی زنان و خانواده*، دوره ۵، ش اول، ص ۶۹-۸۶.
- [۱۷] کار، مهرانگیز (۱۳۸۰). *مشارکت سیاسی زنان موانع و امکانات*، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- [۱۸] _____ (۱۳۷۹). *رفع تبعیض از زنان*، تهران: قطره، چ ۳.
- [۱۹] کلمن، جیمز (۱۳۷۷). *بنیادهای نظریه اجتماعی*، ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نی.
- [۲۰] کوزر، لوئیس (۱۳۷۰). *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: عالمی.
- [۲۱] کلانتری، عبدالحسین؛ فقیه ایمانی، فاطمه (۱۳۹۲). «فراتحلیل پژوهش‌های انجام‌شده درباره نابرابری جنسیتی»، *فصل‌نامه زن در هنر و فرهنگ*، س ۵، ش اول، ص ۱۲۵-۱۴۲.
- [۲۲] کیویستو، پیتر (۱۳۷۸). *اندیشه‌های بنیادی در جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نی.
- [۲۳] گولدوگولب، جولیس؛ ویلیام، ل (۱۳۷۶). *فرهنگ علوم اجتماعی*، تهران: مازیار.
- [۲۴] ناصری، سهیلا؛ ناصری، محبوبه (۱۳۹۴). «بررسی عوامل مؤثر بر نگرش دانشجویان نسبت به نابرابری‌های جنسیتی مطالعه موردی: شهرستان مهران»، *فصل‌نامه علمی ترویجی فرهنگ ایلام*، دوره ۱۷، ش ۵۳-۵۲، پاییز و زمستان، ص ۹۹-۱۱۴.
- [۲۵] وبر، ماکس (۱۳۶۸). *مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی*، ترجمه احمد صدارتی، تهران: مرکز.
- [۲۶] وود و شرمن (۱۳۶۶). «دیدگاه‌های نوین جامعه‌شناسی»، ترجمه مصطفی ازکیا، تهران: کیهان.
- [27] Donovan. J.(2001). *Feminist theory*. New york. The continuum international publishing group Inc.
- [28] Fukuda-Parr. (1999). What does feminization of poverty mean? It isn't just lack of income. *Feminist Economics*, 5(2), PP 99-103.
- [29] Han, C., Janmaat, J. G., Hoskins, B. & Green, A. (2012). *Perceptions of Inequalities: implications for social cohesion*, published by the Centre for Learning and Life Chances in Knowledge Economies and Societies at: <http://www.llakes.org>.
- [30] Hess,u.,et al (2000). Emotional expressivtiy in men and woman stereotype ane self preception. *Cognition and Emotion*. Vol.5.no.14, PP 609-642.
- [31] Jackson, S. (2000). *The Gendering of sociology*, in gender, edited by Jackson, and scot.
- [32] Scott, J. (2006), *sociology (the key concepts)*, London and NewYork: Routledge.
- [33] Tarkowska, E. (2002). Intra-household gender inequality: hidden dimention of poverty among Polish women. *Communist and Post-Communist Studies*,35, PP 411-432.
- [34] Tu`rmen, T. (2003). Gender and HIV & AIDS, *International Journal of Gynecology and Obstetrics*, 82, PP 411-418.

- [35] United Nations Development Programme (UNDP). (2006). Taking gender equality seriously: Making progress, Meeting new challenges. United Nations Development Programme, Bureau for Development Policy, Gender Unit.
- [36] World Bank. (2012). World development report 2012: Gender equality and development. Retrieved from <http://econ.worldbank.org/WBSITE/>
- [37] EXTERNAL/ EXTDEC/ EXTRESEARCH/ EXTWDRS/ EXTWDR2012/0, content MDK:229
- [38] World Economic Forum (2015). the global gender gap report, <https://www.weforum.org/reports/>.
- [39] William A. and Darity Jr. (2008), international encyclopedia of the social sciences, USA: Macmillan Reference.
- [40] Wright, P. (2007). Family size and the gendered division of unpaid work: Implications for fertility decisions in Australia. Australian Journal of Social Issues, 42 (4), PP 513-529.